

بررسی و تحلیل کتاب‌شناسی فردوسی از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۸۷

دکتر مریم صادقی^۱

زهرا قربانی پور^۲

چکیده

این مقاله به بررسی و تحلیل کمی و کیفی پژوهش‌های فردوسی‌شناسی پرداخته و هدف آن توصیف، تحلیل و طبقه‌بندی کلیه کتاب‌هایی است که پس از انقلاب اسلامی در زمینه فردوسی و شاهنامه او نگاشته شده است. دستاوردهای این پژوهش نشان‌دهنده آن است که تمام آثار و تألیفات فردوسی‌شناسی را می‌توان در سه دسته اصلی: پژوهش‌های بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای، و در ۱۴ شاخه جزئی تر قرار داد. در گروه اول نویسندگان به تبیین و تحلیل مسائل مفهومی در شاهنامه پرداخته‌اند؛ در گروه دوم زمینه‌های پژوهش را درباره شاهنامه و فردوسی، به طریق علمی - پژوهشی، فراهم آورده‌اند و در گروه سوم پژوهش‌های دیگران را درباره فردوسی و شاهنامه، در ابعاد مورد نظر، توسعه بخشیده‌اند. چشم انداز پژوهش نشان‌دهنده آن است که بیشترین پژوهش‌ها با روش تحلیلی انجام یافته است. روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی است که با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای انجام شده است.

کلیدواژه‌ها: شاهنامه، کتاب‌شناسی، پژوهش‌های بنیادی، پژوهش‌های کاربردی، پژوهش‌های توسعه‌ای.

مقدمه

پژوهش‌های ادبی در ایران سابقه‌ای طولانی دارد، اما پژوهش به معنای خاص آن که بر طبق موازین و ارکان و شاخه‌های علمی، انجام یافته باشد تقریباً از سال ۱۳۰۰ در ایران شروع

۱- m_sadeghi_38@yahoo.com

۱- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز

۲- کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز (نویسنده مسؤول) zghorbanipour@yahoo.com

شده و از آن زمان تاکنون، محققان و پژوهشگران، در زمینه‌های گوناگون ادبیات فارسی، تحقیقاتی قابل توجه را انجام داده‌اند. دانشمندان تعاریف گوناگونی از پژوهش بیان داشته‌اند: پژوهش، فرآیند پردازش منظم و مدون اطلاعات است که در حوزه‌ای خاص با نوآوری انجام می‌شود و به کشف و توسعه دانش می‌انجامد؛ پژوهش علمی ویژگی‌هایی دارد مانند: در دسترس بودن، عینی بودن، نظام مندی و تراکم، پیش‌بینی کننده و غیره (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۵: ۲۸-۴۱).

پژوهش ادبی، به پژوهش‌هایی اطلاق می‌شود که درباره یک رویداد یا مسئله ادبی بحث می‌کند و آن را از رویکرد و دیدگاهی نو طی مراحل گوناگون، مورد بررسی و تحلیل، قرار می‌دهد. یکی از عمده‌ترین پژوهش‌های ادبی در ایران، پژوهش‌های فردوسی‌شناسی است؛ پژوهش‌هایی که ابعاد گوناگون، نظریات و دیدگاه‌های پیرامون فردوسی و شاهنامه را همراه با اطلاعات، پردازش و نوآوری، مورد بررسی و تحلیل، قرار می‌دهند. در یک نگاه، پژوهش‌های ادبی در زمینه‌ها و موضوعاتی گوناگون انجام یافته است؛ در میان این پژوهش‌ها، تصحیح و شرح متون، از جایگاهی ویژه برخوردار بوده است؛ پس از آن، مهم‌ترین تحقیقات و پژوهش‌های ادبی، در زمینه تحلیل اندیشه‌ها و دیدگاه‌های شاعران و نویسندگان، در متون منظوم و مثنوی ادب فارسی، بسیار حائز اهمیت است. به نظر می‌رسد که در میان شاعران و نویسندگان، سه تن به دلایل متعدد، از دیگران بیشتر مورد توجه بوده و درباره آن‌ها کتاب‌ها و مقالاتی متعدد به رشته تحریر درآمده است که عبارتند از: مولوی، فردوسی و حافظ. در این میدانگاه، تنوع تمام مباحث مطرح شده در ۶۰۶ اثر، ابتدا در سه دسته اصلی: بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای گنجانده شده، سپس، در ۱۴ شاخه فرعی، مورد بررسی قرار گرفته است.^۱ هدف از این مقاله، بررسی و تبیین پیشینه پژوهش‌های فردوسی‌شناسی پس از انقلاب اسلامی است. این مقاله در پاسخ به این سؤال نگاشته شده است که کمیت و کیفیت پیشینه پژوهش‌های فردوسی‌شناسی در ایران از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۸۷ چگونه است؟

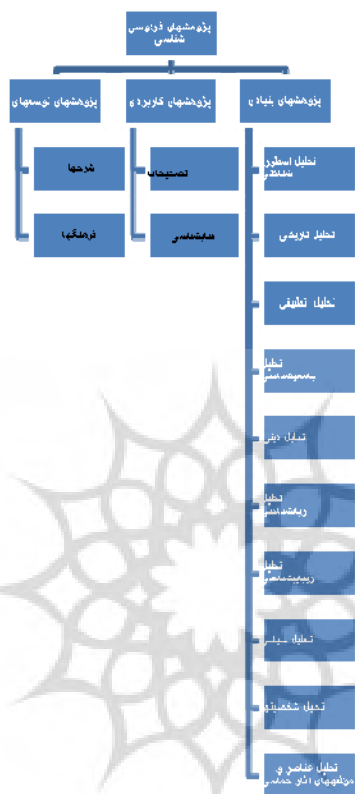
پیشینه پژوهش

مهم‌ترین تألیفات درباره کتابشناسی فردوسی، در آثار زیر توسط مرحوم ایرج افشار، مورد پژوهش و بررسی قرار گرفته است: ۱- کتابشناسی فردوسی که مربوط به قبل از انقلاب اسلامی است و یک دوره ده ساله (۱۳۴۲-۱۳۳۳) را شامل می‌شود. ۲- کتابشناسی فردوسی و شاهنامه از آغاز نوشته‌های پژوهشی تا سال ۱۳۸۵. نخستین مبنای هر پژوهش، شناخت پیشینه مربوط بدان حوزه است که مواردی بسیار مهم را برای محقق آشکار می‌سازد: کمیت آماری پژوهش مورد نظر، کمیت موضوعی آن، کمیت نویسندگان و صاحب‌نظران آن موضوع، کیفیت پژوهش‌های مورد نظر، کیفیت نظریه‌ها و دیدگاه‌های تبیین شده در آثار و غیره. از آن‌جا که فردوسی طوسی بزرگ‌ترین حماسه‌سرای ایران زمین است و به دلیل آن‌که در این سال‌ها اقبال گسترده‌ای نسبت به شاهنامه و اندیشه‌های او صورت گرفته است، لازم بود تا با توجه به گستردگی موضوع، تحقیقات، تحلیل و طبقه‌بندی شوند تا بیان‌گر کیفیت و کمیت پژوهش باشد.

«کتاب‌شناسی به معنای تهیه فهرست کلیه کتاب‌ها و آثار منتشر شده در یک کشور خاص است. معمولاً کتاب‌های منتشر شده در مورد هر کشور که در سایر نقاط چاپ شده‌اند نیز در کتابشناسی ملی درج می‌شود. یک کتابشناسی کامل و منظم، اساس و پایه تحقیقات گوناگون تواند بود و چنین کتابی آئینه تمام‌نمای فرهنگ یک کشور و تحولات آن است.» (ستوده، ۱۳۸۳: ۲۱۶ - ۲۱۰).

در این مقاله، کیفیت و کمیت پژوهش‌های فردوسی‌شناسی در ایران (از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۸۷) با روش توصیفی - تحلیلی و آماری، با توجه به نظر کارشناسان امور پژوهشی و تحقیقی (برای مثال، بیابانگرد، ۱۳۸۷: ۲/ ۲۴) در سه دسته: بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای طبق نمودار زیر، مورد بررسی قرار گرفته است؛ ضمن آنکه مهم‌ترین نکته‌ها و ابعاد و دیدگاه‌های نویسندگان این آثار نیز اشاره و تبیین شده است.

نمودار شماره (۱) پژوهش‌های فردوسی‌شناسی



بررسی و تبیین کتابشناسی فردوسی از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۸۷

۱- پژوهش‌های بنیادی^۲

با توجه به مطالب گفته شده در این قسمت، کمیت و کیفیت پژوهش‌های بنیادی فردوسی‌شناسی، بررسی می‌شود؛ منظور از پژوهش‌های بنیادی، آثاری است که دیدگاه‌های فردوسی را در زمینه‌ها و ابعاد سیاسی و اجتماعی و روان‌شناختی و غیره با شواهد و مثال، تحلیل و تبیین نموده‌اند تا سایر پژوهشگران، بتوانند موارد و مطالب مطرح شده را در

پژوهش‌های گوناگون خود، به کار گیرند. بر این اساس مجموعه این آثار در ۱۰ بخش تقسیم شده که ذیلاً بررسی می‌شود:

۱-۱: تحلیل اسطوره‌شناختی

منظور از تحلیل اسطوره‌شناختی، بررسی آثاری است که نویسندگان، اسطوره‌های ایران باستان، مبانی اسطوره‌ای داستان‌های شاهنامه و اطلاعات جغرافیایی (مکان‌ها در شاهنامه) را تحلیل و بررسی نموده‌اند. «تلاش‌های انسان آغازین و اسطوره‌ای، در شناخت خود و جهان و کوشش‌های گرم و تب‌آلوده‌ی وی در گزارش جهان و انسان دبستانی جهان‌شناختی را پدید آورده است که آن را اسطوره می‌خوانیم.» (کزازی، ۱۳۷۲: ۲). «اسطوره، صفت و نشان مشخص دوران باستان است. نمودار مرحله‌ای ضروری در تکامل ذهن آدمی است. روایاتی است که در نخستین دوران‌های زندگی بشر ابداع شده است که از طبیعت و ذهن انسان بدوی ریشه می‌گیرد، و حاصل رابطه متقابل این دو است.» (مختاری، ۱۳۶۹: ۲۹). از میان آثار این بخش می‌توان به کتاب *رؤیا/اسطوره حماسه* اثر میرجلال‌الدین کزازی و کتاب *اسطوره زاک* اثر محمد مختاری اشاره کرد. در این بخش، ۲۶ اثر تدوین شده که ۲۲ اثر آن مربوط به داستان‌های اسطوره‌ای و ۴ اثر، مربوط به جغرافیای اسطوره‌ای شاهنامه است. مهم‌ترین ابعادی که پژوهشگران در این بخش، اشاره کرده‌اند عبارتند از: ۱- دنیای اسطوره، دنیای بی‌کرانگی‌ها است و پژوهش‌های اسطوره‌شناختی، با همه فراوانی و کیفیت بالا، هنوز هم نتوانسته‌اند دنیای بیکران و فراخنای فرازمانی و فرامکانی اسطوره را بازتابانند؛ ۲- «دیرینه‌ترین سروده‌های بشری (اسطوره) بر خلاف تاریخ، غیر قابل تحریف است؛ بدین معنا که اسطوره ماهیتی غیر از تاریخ دارد.» (مهاجرانی، ۱۳۶۹: ۲۵)؛ ۳- «اسطوره (میتولوژی) متضمن سرگذشتی قدسی و مینوی و راوی واقعه‌ای است که در زمان آغازین رخ داده است» (رضاییگی، ۱۳۸۴: ۱۵).

۱-۱-۱: پژوهش‌های جغرافیایی

منظور از تحلیل جغرافیایی، آن آثاری است که نویسندگان به بررسی مسائل جغرافیایی و مرزها در شاهنامه، پرداخته‌اند. از میان آثار این بخش می‌توان به کتاب پژوهشی در شاهنامه (در باب ری پهنه تهران، البرز و... در شاهنامه) اثر حسین کریمان و ایران بزرگ (جغرافیای اسطوره‌ای و تاریخی مرزها و مردمان ایرانی) اثر امید عطایی فرد اشاره کرد. مهم‌ترین ابعادی که پژوهشگران در این بخش، اشاره کرده‌اند عبارتند از: ۱- فردوسی در اثر خویش، تمام مناطق جهان را به دو بخش کلی (ایران و انیران) تقسیم کرده و نیز شرح داده است؛ بنابراین مکان‌ها بسیار متعدد و در عین حال مبهم و کلی‌اند، از همین‌رو پژوهشگران برای فهم بهتر این اثر، با دلایل و مستندات تاریخی به شرح و توضیح مکان‌های شاهنامه تا آن‌جا که ممکن بوده پرداخته‌اند؛ ۲- «ایرانیان نخستین کسانی بودند که جهان را به کشورها و قاره‌ها بخش بندی کردند. در بهرام یشت (بند ۳۳) و دین یشت (بند ۱۳) از ۹ کشور یاد شده است. فروردین یشت از پنج کشور (قاره) نام می‌برد.» (عطایی فرد، ۱۳۸۴: ۱۹)؛ ۳- «البرز در شاهنامه بر کوه‌هایی در هند و بلخ و فارس و قفقاز اطلاق می‌شده و نیز کوه البرز همان کوه قاف است و مرکز اصلی آن قفقاز است. البرز، کوهی است مذهبی، مینوی و مثالی و با هیچ یک از کوه‌های زمین به صورت کلی قابل انطباق نیست، بلکه همه کوه‌های روی زمین، سلسله‌هایی منشعب از البرز هستند نه خود البرز. کوه البرز در شاهنامه بیست و هشت بار به صورت البرز و دوازده بار به صورت برز آمده است که نمونه‌های آن را می‌توان در شرح پادشاهی بهرام گور دید. در مواردی دیگر البرز در شاهنامه نام کوه‌هایی در هند و بلخ و فارس و قفقاز است؛ مثلاً در ذکر پادشاهی ضحاک، در شرح پادشاهی منوچهر و...» (کریمان، ۱۳۷۵: ۹۷، ۱۰۴، ۱۰۵).

۱-۲: تحلیل تاریخی

منظور از تحلیل تاریخی، بررسی آثاری است که نویسندگان، تاریخ فرهنگ ایرانیان و اوضاع تاریخی و اجتماعی روزگار فردوسی و نیز تاریخچه زندگی او را از لابه‌لای داستان‌ها و حوادث شاهنامه مورد جستجو قرار داده‌اند. از میان آثار این بخش می‌توان به کتاب فردوسی و

شاهنامه اثر منوچهر مرتضوی و شاهنامه فردوسی و فلسفه تاریخ ایران اثر مرتضی ثاقب‌فر اشاره کرد. در این بخش ۲۷ اثر تدوین شده و مهم‌ترین ابعادی که پژوهشگران در این بخش، اشاره کرده‌اند عبارتند از: ۱- در حقیقت شاهنامه همان فرهنگ ایران باستان است که در برگیرنده تمام اندیشه‌ها، باورها، آیین‌ها، نحوه آداب و رسوم ایرانیان است؛ ۲- فردوسی هنرمندی بی‌همتا بوده که با سامان بخشیدن و نظم دادن به فرهنگ ایران باستان، شکوه و عظمت ایران را نمایانده است. بنابراین همه ایرانیان می‌توانند در آن، ریشه و بنیاد بسیار کهن قوم خود و فرهنگ والای خویش را باز شناسند؛ ۳- بررسی زمینه‌های مختلف زندگی یک شاعر، نکته‌های ناگفته و تاریک را که بسیاری بدان‌ها توجهی نکرده‌اند، روشن خواهد ساخت؛ ۴- شاهنامه و فردوسی را باید از خود شاهنامه شناخت چون بهترین منبع در این راه بازخوانی و بازکاوی دقیق شاهنامه است؛ ۵- بی‌شک بررسی موقعیت ایران از زمان ورود اعراب و تأثیر حضورشان بر شخصیت و احوال فردوسی، می‌تواند در شناخت جامعه زمان او یاریگر پژوهندگان واقع گردد.

۱-۳: تحلیل تطبیقی

منظور از تحلیل تطبیقی، بررسی آثاری است که نویسندگان، شاهنامه فردوسی را با دیگر آثار حماسی بزرگ جهان تطبیق داده، سپس تحلیل کرده‌اند. از میان آثار این بخش می‌توان به کتاب فردوسی، سنت و نوآوری در حماسه‌سرایی (مباحثی از ادبیات تطبیقی) اثر محمود عبادیان اشاره کرد. در این بخش ۷ اثر تدوین شده و مهم‌ترین ابعادی که پژوهشگران در این بخش، اشاره کرده‌اند عبارتند از: ۱- «نه داستان رستم و سهراب تراژدی است، و نه داستان سیاوش و یا حتی داستان رستم و اسفندیار. و هیچ‌گونه شباهت بنیادی میان تراژدی آتنی و شاهنامه فردوسی، حتی نمایش‌های آیینی ایرانی وجود ندارد.» (کیا، ۱۳۶۹: ۳۹)؛ ۲- شاهنامه، گیلگمش و ایلیاد، هر سه حماسه اساطیری و پهلوانی‌اند، پرداخته آرمانی تصورهای تجربه‌های انسان‌های صدر تاریخند و زمینه‌های ناهمانند آن‌ها در این است که این سه اثر هنری، پرداخته

زمان، مکان و مقتضیات متفاوتند، فزون بر این، آنچه انگیزه سرودن آنها شده است نیز یکسان نیست (عبادیان، ۱۳۷۱: تلخیص از بخش سوم).

۱-۴: تحلیل جامعه‌شناختی

منظور از تحلیل جامعه‌شناختی، بررسی آثاری است که نویسندگان، شاهنامه را از منظر جامعه‌شناختی و مسائل اجتماعی، بررسی و تحلیل کرده‌اند. برای مثال می‌توان گفت: فردوسی در داستان ضحاک ماردوش ساختار نظام سیاسی و اجتماعی جامعه زمان خودش را با زبانی کنایی و اسطوره‌ای به تصویر کشیده است. از میان آثار این بخش می‌توان به کتاب *جامعه‌شناسی خودکامگی* اثر علی رضاقلی و *فریدونیان، ضحاکیان و مردمیان* اثر جواد جوادی اشاره کرد. در این بخش ۱۳ اثر تدوین شده و مهم‌ترین ابعادی که پژوهشگران به آن اشاره کرده‌اند عبارتند از: ۱- فردوسی با ساختن شخصیت‌هایی چون رستم، فریدون، اسفندیار، سیاوش و... در پی تشویق مردم ایران است تا آنان خود تبدیل به رستم و فریدون و سیاوش دیگر شوند و ایرانی آباد و آزاد بسازند؛ ۲- فردوسی با بیان نکات دقیق و ظریف داستان ضحاک نشان می‌دهد که او تنها یک شاعر نیست، بلکه جامعه‌شناسی فرهیخته است و به خوبی می‌داند که چگونه توده‌های مردم با آگاهی و همدلی بر ترس خود غلبه کرده، می‌توانند نظام حکومتی خود را تغییر دهند.

۱-۵: تحلیل دینی

منظور از تحلیل دینی، بررسی آثاری است که نویسندگان، اعتقادات، مذهب فردوسی و دیدگاه‌های عرفانی او را مورد جستجو قرار داده‌اند؛ همچنین آثاری که به تبیین اقتباسات فردوسی از آیات و احادیث، پرداخته‌اند، در این بخش جای گرفته است. از میان آثار این بخش می‌توان به کتاب *قرآن و حدیث در شاهنامه فردوسی* اثر مجید رستنده و *شاهنامه آبخور عارفان* اثر علیقلی محمودی بختیاری اشاره کرد. در این بخش ۲۰ اثر تدوین شده و مهم‌ترین ابعادی که پژوهشگران در این بخش، اشاره کرده‌اند عبارتند از:

۱- «سخن فردوسی، در بسیاری از موارد، ساختاری اسلامی دارد و نظم کلام او برخاسته از الگوهای اسلامی است.

یکی سخت سوگند شاهانه خورد به روز سپید و شب لاژورد
 که متأثر از این آیات قرآن کریم است: وَالضَّحَى وَاللَّيْلِ إِذْ سَجَى / وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى.»
 (ضحی، آیه ۲) (رستنده، ۱۳۷۸: ۱۶)؛ ۲- در شاهنامه به طور کلی می‌توان به اعتبار بخش بزرگی از درون‌مایه‌های داستان‌های آن به عنوان اثری عرفانی نگریست، چرا که فردوسی به گونه‌ای به تحلیل رازهای انسان پرداخته و در کنار آن راه بزرگی و رسیدن به کمال را نشان داده است؛ ۳- در این اثر بزرگ به وضوح می‌توان گرایش برخی از شاهان و شاهزادگان شاهنامه را به بی‌اعتباری جهان دید. شاهزادگانی چون: ایرج، سیاوش، کی خسرو که با نقش و عملکردهای خود، این گرایش به بی‌اعتباری جهان را به اثبات می‌رسانند.

۱-۶: تحلیل زبان‌شناختی

منظور از تحلیل زبان‌شناختی، بررسی آثاری است که نویسندگان، شاهنامه را از دیدگاه‌های زبان‌شناختی - که ارزش آن کمتر از جنبه‌های دیگر آن نیست - بررسی و تحلیل کرده‌اند. از میان آثار این بخش می‌توان به کتاب شاهنامه و دستور زبان فارسی بر پایه شاهنامه فردوسی و سنجش با سخن گویندگان و نویسندگان پیشین اثر محمود شفیعی و شاهنامه و زبان پهلوی (مقایسه داستانی و زبانی شاهنامه با منابع بازمانده از زبان پهلوی) اثر داریوش اکبرزاده اشاره کرد. در این بخش ۴ اثر تدوین شده و مهم‌ترین بُعدی که پژوهشگران در این بخش، اشاره کرده‌اند از این قرار است که شاهنامه فردوسی، از نظر تدوین قواعد دستور زبان نیز یک منبع اصیل و زاینده و یک مدرک بزرگ و قابل استناد به شمار می‌رود، چنان‌که می‌توان گفت از این حیث اساس و بنیاد قواعد دستوری محسوب می‌گردد.

۱-۷: تحلیل زیبایی‌شناختی

منظور از تحلیل زیبایی‌شناختی، بررسی آثاری است که در آن، نویسنده تلاش کرده با تحقیق در شکل‌شناسی داستان‌های شاهنامه و موسیقی و آهنگین بودن اشعار شاهنامه و به طور کلی مسائل زیبایی‌شناختی داستان‌های شاهنامه، تصاویری را که فردوسی در ورای هر کلام نهاده تا فضایی زنده پیش روی خواننده اثر تجسم یابد، تحلیل نماید. از میان آثار این بخش می‌توان به کتاب *تصویر آفرینی در شاهنامه فردوسی (بررسی و نقد تشبیهات و استعارات در شاهنامه فردوسی)* اثر منصور رستگارفسای و *شاهنامه از دیدگاه داستان‌شناسی* اثر فاطمه غفوری اشاره کرد. در این بخش ۱۲ اثر تدوین شده و مهم‌ترین ابعادی که پژوهشگران در این بخش، اشاره کرده‌اند عبارتند از: ۱- «تصاویر فردوسی زیبا رویان دل‌انگیز شاهنامه‌اند که مستنبط از روحی حساس و شیفته این مرز پرگهر هستند و طبعاً تمام خصایص خالق خود را، از وطن پرستی و ایران دوستی گرفته تا صفا و استغنا، دارا هستند.» (رستگارفسای، ۱۳۶۹: ۲۳)؛ ۲- «از شگردهای داستان‌پردازی فردوسی «باورپذیر» کردن داستان‌ها است، واقعی بودن داستان، باورپذیر کردن آن است. او چنان دیو و اژدها و پهلوانان فرانرومندش را پرداخته و باورپذیر ساخته که جهان شاهنامه جهان واقعی گردیده است.» (غفوری، ۱۳۸۸: جلد اول، ۱۴۹)؛ ۳- از جمله مواردی که بر ارزش و مقام شاهنامه می‌افزاید این است که فردوسی داستان‌های آن را تصویر کرده است و از این لحاظ آئینه افکار ایرانیان باستان است.

۱-۸: تحلیل سیاسی

منظور از تحلیل سیاسی، بررسی آثاری است که نویسندگان، اندیشه‌های سیاسی و سیستم حکومتی ایران باستان را از خلال داستان‌های شاهنامه تحلیل کرده‌اند. از میان آثار این بخش می‌توان به کتاب *با نگاه فردوسی مبانی نقد خرد سیاسی در ایران* اثر باقر پرهام و *فردوسی سروده خوان وحدت و حماسه ملی ایران* اثر احمد پناهی سمنانی اشاره کرد. در این بخش ۴ اثر تدوین شده و مهم‌ترین ابعادی که پژوهشگران در این بخش، به آن اشاره کرده‌اند عبارتند از: ۱- شاهنامه، داستان سیاسی، اجتماعی ایران سده چهارم است. به همین دلیل است که می-

توان ردپای سیاست را در همه داستان‌های شاهنامه به وضوح مشاهده کرد؛ ۲- «جهان پهلوان در سیمای رستم، در واقع یک تن تنها نیست. داستان او کنایه از داستان ملتی است که پا به پای دستگاه شهریاری زاییده می‌شود و می‌بالد، با انحطاط آن رو به انحطاط می‌رود و با مرگ آن روح ملی‌اش فرو می‌کشد تا مگر دوباره در دورانی دیگر سربرگیرد.» (پرهام، ۱۳۷۳: ۱۰۰).

۱-۹: تحلیل شخصیت‌ها

در میان آثار فردوسی‌شناسی، تألیفاتی قرار دارند که شخصیت‌های شاهنامه (رستم، سهراب، سیاوش، کیخسرو و کیکاووس و ...) را از دیدگاه‌های گوناگون بررسی نموده‌اند؛ از میان آثار این بخش می‌توان به کتاب پیام‌های پرورشی در شاهنامه فردوسی اثر بهین دارایی و شخصیت‌ها در شاهنامه اثر سید عبدالعلی عظیمی اشاره کرد. در این بخش ۲۲ اثر تدوین شده و مهم‌ترین ابعادی که پژوهشگران در این بخش، اشاره کرده‌اند عبارتند از: ۱- هر کدام از شخصیت‌های شاهنامه گوشه‌ای از حکمت و جهان‌بینی او را آشکار می‌کنند و این جهان‌بینی همان ستایش از خردمندی، دادگری و صلح میان انسان‌ها است؛ ۲- «هر کس، احوال آئین و فرهنگ قوم ایرانی را، در ایران باستان، مطالعه کند خواهد دانست که کودک، در مکتب خانواده، یا مکتب هر کس که جای خانواده او را می‌گرفت، فرهیخته و رایمند و پهلوان و یزدان‌پرست بار می‌آمد.» (دارایی، ۱۳۷۲: ۹۵)؛ ۳- «در هزاره چهارم پیش از میلاد، زن در تمام کارهای اجتماعی و سازندگی محیط خویش نقش اساسی داشته است، همه وقت خود را برای اداره خانواده خود صرف می‌کرد. او با رقص‌های مذهبی که جنبه هنری نیز داشت، به زندگی خویش نشاط می‌بخشید» (یوسفی، ۱۳۸۶: ۱۳)؛ ۴- نقش زن در جامعه یا محبوب است و آرمان‌های اجتماعی و فرهنگی در شخصیتش متجلی گشته و پای‌بند به دین و آیین زمانه است و یا منفور است و همه ناپاکی‌ها و پلیدی‌ها در او خلاصه شده و کردارش برخلاف روند عادی جامعه است.

۱-۱۰: تحلیل عناصر و مؤلفه‌های آثار حماسی

منظور از تحلیل عناصر و مؤلفه‌های آثار حماسی، تألیفاتی است که نوع ادبی حماسه از رهگذر عناصر و مؤلفه‌های آن (نوع مصالح، میزان دخل و تصرف نویسنده که در ضمن معرف درجه زندگی گرا بودن آن است و نیز شیوه‌ای که در افاده مطالب به کار برده) مورد بررسی قرار گرفته است (عبادیان، ۱۳۷۹: ۱۹). از میان آثار این بخش می‌توان به کتاب *حماسه‌سرایی در ایران* اثر ذبیح‌الله صفا و *قلمرو ادبیات حماسی ایران* اثر حسین رزمجو اشاره کرد. در این بخش ۳ اثر تدوین شده و مهم‌ترین ابعادی که پژوهشگران در این بخش، اشاره کرده‌اند عبارتند از: ۱- اشعار حماسی، بزرگی‌ها، منش‌ها-ی نیک، سنت‌ها و ویژگی‌های اخلاقی ملت‌ها را به نمایش می‌گذارند و همواره یک هدف والا در پیش روی خود دارند؛ و آن پاسداری از حرمت‌ها، قداست‌ها، آرزوها و افتخارات ملی و دینی و آیین‌گرایی آنان است.

۲. «آثار ادب حماسی را، بسته به موضوع و درون‌مایه و شرایط به وجود آمدن آن‌ها، به انواعی می‌توان تقسیم کرد. زیرا ممکن است شاعری حماسه‌سرا، موضوع منظومه خود را صرفاً از اسطوره‌های روزگار پیشین حیات ملت خویش اخذ کند، یا ممکن است که لحظات مهم تاریخی و وقایعی که در زندگانی برخی از امیران جهان‌گیر و پهلوانان پیش آمده است، مورد استفاده شاعری حماسه‌سرا قرار گیرد، بنابراین به چهار نوع حماسه دست می‌یابیم که عبارتند از: ۱- حماسه‌های اساطیری ملی؛ ۲- حماسه‌های تاریخی؛ ۳- حماسه‌های دینی؛ ۴- حماسه‌های عرفانی.» (رزمجو، ۱۳۸۱: ۳۲).

۲- پژوهش‌های کاربردی

آثاری که زمینه‌های پژوهش بیشتر و کامل‌تر را فراهم می‌آورند، با عنوان کاربردی شناخته می‌شوند. در این قسمت، دو دسته از آثار قرار می‌گیرند که ذیلاً بررسی می‌شوند:

۲-۱: تصحیح‌های شاهنامه

تصحیح متون ادبی از پژوهش‌های بنیادی است که در ایران به همت علامه قزوینی، آغاز شد و پس از آن پژوهشگران با دیدگاه‌ها و روش‌های گوناگون به تصحیح متون ادبی پرداختند

تا زمینه‌های لازم را برای به دست دادن متنی با حداقل اشتباهات، در اختیار پژوهندگان قرار دهند؛ در این بخش ۱۲۲ اثر تدوین شده و در آن تلاش شده تا شاهنامه‌های تصحیح شده بر اساس نسخ مختلف و موجود از شاهنامه گنجانده شود. لازم به ذکر است که بخش تصحیح-های شاهنامه، یکی از غنی‌ترین بخش‌های این کتابشناسی محسوب می‌شود. از میان آثار این بخش می‌توان به کتاب *شاهنامه فردوسی (مقدمه احسان یار شاطر) تصحیح جلال خالقی مطلق، شاهنامه از دست‌نویس موزه فلورانس تصحیح عزیزالله جوینی، شاهنامه فردوسی تصحیح انتقادی مصطفی جیحونی* اشاره کرد. مهم‌ترین ابعادی که پژوهشگران در این بخش، اشاره کرده‌اند عبارتند از: الف - در این بخش باید به دو نکته اساسی اشاره شود: الف) به نوشته مهدی قریب: «تا زمانی که نسخه‌ای از متن شاهنامه فردوسی معرفی نشود که حداقل یک قرن قدیمی‌تر از کهن‌ترین دست نوشته شناخته شده موجود یعنی نسخه موزه بریتانیا متقدم بر ۶۷۵ هـ باشد، تفاوت میان همه متون چاپی موجود که کم و بیش در محدوده ۳۰ تا ۴۰ نسخه شناخته شده شاهنامه تصحیح و منتشر شده‌اند، در نهایت، جزئی و در حد تصحیح واژه یا واژگان، جابه‌جایی و حذف و افزایش چند و یا چندین بیت است. ب - معضلی که در تمام چاپ‌های موجود شاهنامه (تصحیح به شیوه انتقادی)، دیده می‌شود، مسأله الحاقی شمردن یا اصیل قلمداد کردن برخی روایات فرعی شاهنامه است که البته این داستان‌ها، چندان در توالی مضمون اصلی شاهنامه مؤثر نیستند. برای مثال: روایت ازدواج سیاوش با جریره.» (قریب، ۱۳۸۶: ۱/ مقدمه).

۲-۲: کتابشناسی فردوسی

«کتابشناسی مهم‌ترین رکن پژوهش و وسیله شناختن آثار چاپ شده است.» (ستوده، ۱۳۸۳: ۲۱۲) زیرا تا پژوهش‌های پیشین شناسایی نشوند کمبودها و بایسته‌ها و نبایسته‌های پژوهشی، مشخص نخواهد شد. در این بخش دو اثر (کتابشناسی‌های ایرج افشار) بررسی شده است. مهم‌ترین ابعادی که پژوهشگر در این بخش، اشاره کرده از این قرار است: یکی از کتاب‌ها، *کتابشناسی ده ساله (۱۳۴۲-۱۳۳۳)* است. فهرست‌نویسی‌ها بر اساس نام خانوادگی

نویسنده، محل نشر، سال نشر، تعداد صفحات کتاب، انجام شده است. بنابراین نویسنده در آن به معرفی شناسنامه‌ای کتاب‌ها بسنده کرده است. دودیگر، کتابشناسی فردوسی و شاهنامه که در برگزیده مقالات و کتاب‌هایی است که از آغاز نوشته‌های پژوهشی تا سال ۱۳۸۵ به زبان‌های شرقی و غربی درباره فردوسی و شاهنامه منتشر شده است. نویسنده در این اثر، به دنبال کار قبلی خود، به معرفی شناسنامه‌ای کتاب‌ها و مقالات پرداخته است. همچنین، فهرستی از نسخ خطی شاهنامه و نیز چاپ‌های متن شاهنامه، ارائه شده است.

۳- پژوهش‌های توسعه‌ای

پژوهش‌های توسعه‌ای آثاری هستند که پژوهش‌ها و تألیفات پیشین را توسعه داده و تکمیل می‌کنند بر این اساس بسیاری از پژوهش‌های فردوسی‌شناسی به دلایل گوناگون، مطالب مطرح شده در پژوهش‌های پیشین را ناقص و یا ناتمام دانسته به تکمیل و یا تصحیح آنها همت گماشته‌اند؛ از این روی در این قسمت، آثاری قرار می‌گیرند که اطلاعات لغوی و دستوری و یا فرهنگ گوناگون شاهنامه را دوباره بررسی کرده‌اند که ذیلاً در دو بخش، بررسی می‌شوند:

۳-۱: شرح‌ها و تلخیص‌ها

منظور از شرح‌ها و تلخیص‌ها، آثاری است که نویسندگان به شرح و توضیح ابیات و لغات دشوار داستان‌های شاهنامه پرداخته و یا در آن تنها به گردآوری ابیات داستان‌های شاهنامه بسنده کرده‌اند. از میان آثار این بخش می‌توان به مجموعه کتاب‌های «نامه باستان»، «خشم در چشم» و «تندبادی از کنج» اثر میرجلال‌الدین کزازی و برگزیده شاهنامه فردوسی اثر احمدعلی رجائی بخارائی و کتابیون مزدپور اشاره کرد. در این بخش ۱۰۶ اثر تدوین شده است. لازم به ذکر است که بخش شرح‌ها، از دیگر بخش‌های غنی این کتابشناسی محسوب می‌شود. مهم‌ترین ابعادی که پژوهشگران در این بخش، اشاره کرده‌اند عبارتند از: ۱- شاهنامه کتابی است حجیم که در عین نادر بودن لغات دشوار، باز هم از ابعاد گوناگون، به شرح نیاز دارد؛ لذا بسیاری از نویسندگان پیش از پرداختن به تحلیل این کتاب، به شرح آن همت گماشته‌اند؛ ۲-

برخی از این کتاب‌ها، از آن جهت که از تمام داستان‌های اصلی و بخش‌های عمده شاهنامه ابیاتی برگزیده‌اند، به گونه‌ای که به پیوندهای درونی و بیرونی داستان‌ها لطمه‌ای وارد نیاید؛ به عبارت روشن‌تر، فقط با حذف ابیاتی که به چهارچوب داستان‌ها خدشه‌ای وارد نکند، شاهنامه را خلاصه کرده‌اند؛ از این جهت نقصانی در کتاب نیست. بنابراین خوانندگان می‌توانند مطمئن باشند که اگر این کتاب‌ها را از آغاز تا انجام بخوانند در حالی که کمتر از نصف شاهنامه است مثل آن است که خود شاهنامه را خوانده باشند.

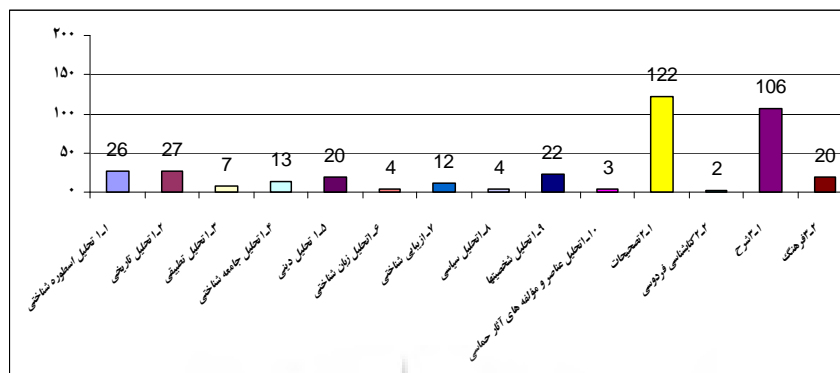
۲-۳: فرهنگ‌ها

فرهنگ به معنی لغت‌نامه یا واژه‌نامه و یا نام‌نامه و قاموس و فهرست آمده و معانی بسیار دیگر، از آن جمله ادب و هنر و دانش و سنت و... منظور از بخش فرهنگ‌ها، بررسی تمام لغت‌نامه‌های شاهنامه فردوسی است. از میان آثار این بخش می‌توان به کتاب فرهنگ لغات و ترکیبات شاهنامه اثر داریوش شامبیاتی و فرهنگ شاهنامه (نام کسان و جای‌ها) اثر حسین شهیدی مازندرانی اشاره کرد. در این بخش ۲۰ اثر تدوین شده و مهم‌ترین بُعدی که پژوهشگران در این بخش، به آن پرداخته‌اند از این قرار است که نویسندگان، همه‌گونه کار و کوششی از لحاظ پرداختن به دیرینه‌شناسی واژگان، برابر نگاری واژگان دشوار همراه با شاهد، مثال، شرح واژه‌ها و نام‌های اوستایی و زردشتی و... در آثار خود ارائه داده‌اند.

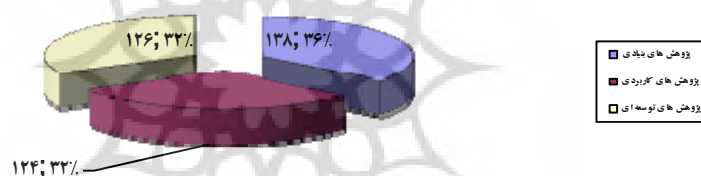
نتیجه‌گیری

۱- بر اساس پژوهش انجام شده، کتاب‌شناسی فردوسی را در حوزه‌های زمانی مورد نظر، می‌توان به صورت زیر نشان داد:

نمودار شماره (۲) فراوانی تعداد کتب بخش‌های مختلف تحقیق



نمودار شماره (۳): درصد فراوانی کتب بررسی شده در سه حوزه اصلی پژوهش



۲- مهم‌ترین و پرکارترین نویسندگان در حوزه‌های مختلف تحقیق به ترتیب عبارتند از:

پژوهش‌های بنیادی: ۱- محمد آبادی باوایل با کتاب آیین‌ها در شاهنامه؛ ۲- مرتضی ثاقب‌فر با کتاب شاهنامه فردوسی و فلسفه تاریخ ایران؛ ۳- میرجلال‌الدین کزازی با کتاب رؤیا اسطوره حماسه؛ ۴- محمد مختاری با کتاب اسطوره زال؛ ۵- حسین کریمان با کتاب پژوهشی در شاهنامه (در باب ری پهنه تهران، البرز و... در شاهنامه)؛ ۶- امید عطایی فرد با کتاب ایران بزرگ (جغرافیای اسطوره‌ای و تاریخی مرزها و مردمان ایرانی)؛ ۷- محمدامین ریاحی با کتاب سرچشمه‌های فردوسی شناسی؛ ۸- منوچهر مرتضوی با کتاب فردوسی و شاهنامه؛ ۹- محمود عبادیان با کتاب فردوسی سنت و نوآوری در حماسه‌سرایی (مباحثی از ادبیات تطبیقی)؛ ۱۰-

خجسته کیا با کتاب فردوسی و تراژدی آتنی؛ ۱۱- جواد جوادی با کتاب فریدونیان، ضحاکیان و مردمیان؛ ۱۲- علی رضاقلی با کتاب جامعه‌شناسی خودکامگی؛ ۱۳- سجاد چوبینه با کتاب حکمت نظری و عملی در شاهنامه فردوسی؛ ۱۴- مجید رستنده با کتاب قرآن و حدیث در شاهنامه فردوسی؛ ۱۵- بهین دارایی با کتاب پیام‌های پرورشی در شاهنامه فردوسی؛ ۱۶- امیر ناصر معزی با کتاب ادبیات و روان‌پزشکی؛ ۱۷- محمود شفیع با کتاب شاهنامه و دستور زبان فارسی بر پایه شاهنامه فردوسی و سنجش با سخن گویندگان و نویسندگان پیشین؛ ۱۸- منصور رستگار فسایی با کتاب تصویرآفرینی در شاهنامه فردوسی؛ ۱۹- فاطمه غفوری با کتاب شاهنامه از دیدگاه داستان‌شناسی؛ ۲۰- باقر پرهام با کتاب با نگاه فردوسی؛ ۲۱- احمد پناهی سمنانی با کتاب فردوسی سروده خوان وحدت و حماسه ملی ایران؛ ۲۲- پرویز البرز با کتاب شکوه شاهنامه در آیین تربیت و اخلاق پهلوانان (با فهرستی از صفات نقش آفرینان دوره پهلوانی)؛ ۲۳- سید عبدالعلی عظیمی با کتاب شخصیت‌ها در شاهنامه؛ ۲۴- علیقلی محمودی بختیاری با کتاب شاهنامه آبخور عارفان؛ ۲۵- یدالله قائم‌پناه با کتاب عرفان در شاهنامه؛ ۲۶- ذبیح‌الله صفا با کتاب حماسه‌سرایی در ایران؛ ۲۷- حسین رزمجو با کتاب قلمرو ادبیات حماسی ایران؛ ۲۸- احمدرضا معصومی دهقی با کتاب زناشویی در شاهنامه؛ ۲۹- فریده یوسفی با کتاب جایگاه سیاسی، اجتماعی زنان در شاهنامه.

پژوهش‌های کاربردی: ۱- عزیزالله جوینی با تصحیح شاهنامه از دست‌نویس موزه فلورانس؛ ۲- جلال خالقی مطلق با تصحیح شاهنامه فردوسی (مقدمه احسان یار شاطر).

پژوهش‌های توسعه‌ای: ۱- محمدعلی اسلامی ندوشن با کتاب داستان داستان‌ها؛ ۲- احمدعلی رجائی بخارائی و کتایون مزداپور با کتاب برگزیده شاهنامه فردوسی؛ ۳- میرجلال‌الدین کزازی با مجموعه کتاب‌های «خشم در چشم» و «تندبادی از کنج»؛ ۴- داریوش شامبیاتی با کتاب فرهنگ لغات و ترکیبات شاهنامه؛ ۵- حسین شهیدی مازندرانی با کتاب فرهنگ شاهنامه (نام کسان و جای‌ها)؛ ۶- محمود طاووسی و عبدالرسول صادق‌پور و یاسین راشدی با کتاب فرهنگ ترکیب در شاهنامه فردوسی.

۳- مهم‌ترین رویکردهای مثبتی که نویسندگان در بخش‌های گوناگون این پژوهش در نظر داشته‌اند عبارتند از:

پژوهش‌های بنیادی: ۱- پژوهش‌ها و آثاری که تا کنون در زمینه تطبیق شاهنامه با دیگر آثار جهان، تحلیل عناصر و مؤلفه‌های آثار حماسی، مسائل زیبایی‌شناختی شاهنامه و ... انجام شده؛ می‌تواند به عنوان منابعی برای تحقیقات بیشتر، مورد استفاده واقع شود؛ ۲- تبیین فرهنگ ایرانیان بر مبنای دیدگاه‌های فردوسی؛ ۳- تدوین آثاری با دیدگاه‌های بین‌رشته‌ای مانند: جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی، سیاسی، روان‌شناسی و ...؛ ۴- تطبیق دیدگاه‌های فردوسی و ابیات شاهنامه با آیات قرآن و احادیث؛ ۵- بی‌شک، تحلیل شخصیت‌های شاهنامه از دیدگاه‌های جامعه‌شناسی، اخلاقی، روان‌شناسی، سیاسی و ... می‌تواند چراغی باشد فراروی دانش‌پژوهان.

پژوهش‌های کاربردی و توسعه‌ای: ۱- کندوکاو در نسخه‌های مختلف شاهنامه برای تصحیح نسخه‌ای کامل تا حد امکان، به همراه شرح، تحلیل، توضیح ابیات و لغات از مثبت‌ترین رویکردهای پژوهش‌های فردوسی‌شناسی محسوب می‌شود.

۴- مهم‌ترین رویکردهای منفی در آثار نویسندگان عبارتند از:

پژوهش‌های بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای: ۱- نتیجه‌گیری نویسندگان در بخش تحلیل دینی مبنی بر این‌که یکی از دلایل ماندگاری شاهنامه تا روزگار ما دین‌گرایی او بوده و فردوسی در حقیقت برای بیان اندیشه‌های دینی شاهنامه را سروده و در این راه از جذابیت‌های ملی و تاریخی ایران تنها به عنوان یک ابزار سود جست‌ه است؛ از منفی‌ترین پژوهش‌های فردوسی‌شناسی محسوب می‌شود؛ ۲- مطالب ارائه شده در اکثر آثار مربوط به حوزه‌های پژوهش‌های بنیادی (تحلیل عناصر و مؤلفه‌های آثار حماسی، بعد تاریخی، بعد تحلیل شخصیت‌ها) بیشتر تکراری، روساختگرایانه و فاقد موازین نقد علمی است؛ ۳- تاکنون تعداد کمی از نویسندگان، به پژوهش‌های زبان‌شناختی و جغرافیایی داستان‌های شاهنامه، علاقه نشان داده‌اند. بنابراین، پژوهش‌های انجام شده در این حوزه‌ها بسیار اندک و ناچیز است؛ ۴- تا کنون در خصوص اسطوره‌ی شیر، گاو، اسب و... که بخشی از اسطوره‌های ایران باستان را تشکیل

می‌دهند، بررسی جداگانه و کامل شخصیت‌های ایرج، سیاوش، کیخسرو در حوزه عرفان مربوط به بخش تحلیل دینی، پژوهشی که در آن به بررسی و مقایسه شاهنامه با رامایانا شده باشد، پژوهش در خصوص برخی از چهره‌های اسطوره‌ای شاهنامه مانند: هوشنگ، تهمورث، مرداس و ... مربوط به بخش تحلیل شخصیت‌ها، پژوهشی انسان که باید صورت نگرفته و بسیار ناشناخته‌اند؛ ۵- پژوهش‌ها و بررسی‌های انجام شده حوزه‌های تحلیل جامعه‌شناختی و تحلیل سیاسی، ژرف‌ساخت‌گرایانه اما ناکافی است؛ ۶- از جمله اشکالات کار تصحیح شاهنامه‌ها یکی آن است که بیشتر ناشرین چاپ شاهنامه نسخه ژول مول و مسکو را در صدر کارهای خویش قرار داده‌اند که موجب افزایش کمیت شاهنامه‌های تصحیح شده ژول مول و مسکو شده است؛ ۷- بسیاری از مصححین گرامی در مورد نسخی که برای تصحیح کار خویش پیش رو داشته‌اند، یا نسخ را در حاشیه نیاورده‌اند و یا حتی از آن‌ها نامی نبرده‌اند؛ ۸- در بخش شرح، هر علاقه‌مندی با هدف‌ها و انگیزه‌های گوناگون خود، از گوناگونی ارزش‌های شاهنامه، گزیده‌ای فراهم نموده است. همین امر منجر به بیشتر شدن کمیت کتاب‌ها در این زمینه گشته تا برتری کیفیت آن‌ها؛ ۹- در روزگار ما آثاری که در زمینه‌های گوناگون از فردوسی و شاهنامه، روانه بازار شده بسیار است؛ حال آن‌که کتبی که بتواند پاسخگوی نیاز دانش پژوهان باشد اندک است؛ ۱۰- اگرچه در این سال‌ها کتب فراخوری در حوزه فرهنگ‌ها، بالاخص در امر معنای لغات و ترکیبات شاهنامه ارائه شده، اما هنوز تمام نکته‌ها بررسی نشده‌اند.

۵- جامع‌ترین و ناقص‌ترین پژوهش‌ها در حوزه‌های مختلف تحقیق

بر اساس نتایج حاصل از این تحقیق، تا کنون کامل‌ترین پژوهش‌ها، در حوزه‌های بعدتاریخی، بعد دینی، بعد زیبایی‌شناختی، تحلیل عناصر و مؤلفه‌های آثار حماسی، تصحیح-های شاهنامه، شرح‌ها و تلخیص‌ها، فرهنگ‌ها صورت گرفته است. همچنین، ناقص‌ترین پژوهش‌ها در حوزه‌های پژوهش‌های جغرافیایی و بعد زبان‌شناختی صورت گرفته است. لازم به ذکر است که آثار ارائه شده در حوزه‌های بعد اسطوره‌شناختی، بعد تطبیقی، بعد شخصیت‌ها،

کتابشناسی فردوسی، بعد جامعه‌شناختی و بعد سیاسی نه مانند آثار گروه اول همه‌گونه کار و کوششی بر روی آن‌ها صورت گرفته و کامل‌اند و نه مانند آثار گروه دوم مظلوم مانده‌اند.

یادداشت‌ها

۱- لازم به ذکر است که از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۸۷، تعداد ۱۹۵۳ عنوان کتاب در زمینه شاهنامه و فردوسی فهرست شده است. دلایل کسر این تعداد، با توجه به قلمرو تحقیق، از این قرار است: ۱- ارائه چندین فهرست از یک کتاب؛ ۲- کسر کتاب‌هایی که در سال ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ فیا گرفته‌اند و یا منتشر شده‌اند؛ ۳- کسر تعداد ۱۰۶ عنوان مربوط به کتب ترجمه؛ ۴- کسر تعداد ۱۷۹ عنوان مربوط به کتب قبل از سال ۱۳۵۷ (این کتاب‌ها پس از انقلاب اسلامی تجدید چاپ نشده است)؛ ۵- کسر تعداد ۷۵ عنوان مربوط به مجموعه مقالات و سخنرانی‌ها؛ ۶- قرار دادن تمام کتاب‌هایی که به صورت مجموعه نگاشته شده بود، در ذیل یک عنوان؛ ۷- کسر تعداد ۱۰۸ عنوان کتاب که در کتابخانه ملی موجود نبود؛ ۸- کسر تعداد ۹۸ عنوان مربوط به بازنویسی‌ها و بازآفرینی‌ها. بنابراین، تعداد ۶۰۶ عنوان کتاب، در قلمرو پژوهش قرار گرفته که بالاخص، به دلیل وجود آثار مشابه و تکراری، ۳۸۸ اثر بررسی و تحلیل شده است.

۲- «اگر بخواهیم به ادبیات هم از دیدگاه علمی نگاه کنیم، باید بتوانیم آثار ادبی را طبقه‌بندی کنیم و انواع مشابه آثار ادبی را در طبقات مخصوصی قرار دهیم. زیرا مهم‌ترین مختصه علم این است که می‌تواند طبقه‌بندی کند. این مهم در ادبیات به وسیله انواع ادبی صورت می‌گیرد.» (شمیسا، ۱۳۷۵: ۱۳)

۳- جعفر پایور در مقدمه کتاب خود می‌نویسد: بازنویسی و بازآفرینی از روش‌های مهم آفرینش آثار ادبی است. او می‌نویسد: «بسیاری از آثار کهن فارسی با بهره‌مندی از این روش‌ها به وجود آمده‌اند. بنابراین، بحث درباره آن‌ها و اهمیت شناخت این روش‌ها، ضرورتی است برای ادبیات فارسی». در نهایت، بازنویسی و بازآفرینی را به عنوان یک نوع نویسندگی و همانند با نویسندگی معرفی نموده است (پایور، ۱۳۸۸: ۲۲ - ۲۱). البته، با توجه به ویژگی‌های پژوهش‌های ادبی، بنیاد کار بر بازآفرینی‌ها و بازنویسی‌ها - که تعدادشان کم نیست (۹۸ اثر) - قرار نمی‌گیرد.

کتابنامه

- آبادی باویل، محمد. (۱۳۸۳). *آیین‌ها در شاهنامه*. تبریز: انتشارات ستوده.
- احمدی گیوی، حسن. (۱۳۷۶). *از فن نگارش تا هنر نویسندگی*. تهران: انتشارات سخن.
- اسلامی ندوشن، محمد علی. (۱۳۷۲). *داستان داستان‌ها رستم و اسفندیار در شاهنامه*. تهران: شرکت سهامی انتشار (نشر آثار).
- افشار، ایرج. (۱۳۸۲). *کتابشناسی فردوسی (فهرست آثار و تحقیقات درباره فردوسی و شاهنامه)*. انتشارات انجمن آثار ملی ۵۹.
- _____ (۱۳۹۰). *کتابشناسی فردوسی و شاهنامه (از آغاز نوشته‌های پژوهشی تا سال ۱۳۸۵)*. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- اکبرزاده، داریوش. (۱۳۷۹). *شاهنامه و زبان پهلوی (مقایسه داستانی و زبانی شاهنامه با منابع بازمانده از زبان پهلوی)*. مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی پازینه.
- البرز، پرویز. (۱۳۶۹). *شکوه شاهنامه در آئینه تربیت و اخلاق پهلوانان (با فهرستی از صفات نقش آفرینان دوره پهلوانی)*. تهران: دانشگاه الزهرا.
- بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۸۷). *روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*. ج ۱ و ج ۲. تهران: نشر دوران.
- پایور، جعفر به همراه فروغ‌الزمان جمالی. (۱۳۸۸). *بازنویسی و بازآفرینی در ادبیات*. تهران: نشر چشمه.
- پرهام، باقر. (۱۳۷۳). *با نگاه فردوسی، مبانی نقد خرد سیاسی در ایران (ویراست دوم با چند گفتار تازه)*. تهران: نشر مرکز.
- پناهی سمنانی، احمد. (۱۳۷۹). *فردوسی (سروده‌خوان وحدت و حماسه ملی ایران)*. تهران: نشر ندا.
- ثاقب‌فر، مرتضی. (۱۳۷۷). *شاهنامه فردوسی و فلسفه تاریخ ایران*. تهران: نشر قطره و نشر معین.
- جوادی. جواد. (۱۳۷۰). *فریدونیان، ضحاکیان و مردمیان (به ضمیمه اسطوره چیست علی‌حضور)*. تهران: نشر چشمه.
- جیحونی، مصطفی. (۱۳۷۹). *شاهنامه فردوسی (تصحیح انتقادی)*. انتشارات شاهنامه‌پژوهی.

- خالقی مطلق، جلال و احسان یارشاطر. انتشارات روزبهان. دفتر اول: ۱۳۶۸. ضمیمه دفتر اول: ۱۳۶۹. دفتر دوم: ۱۳۷۰.
- دارایی، بهین. (۱۳۷۲). *پیام‌های پرورشی در شاهنامه فردوسی*. زنجان: دانشگاه آزاد اسلامی زنجان.
- رجائی بخارائی، احمدعلی (به کوشش کتایون مزداپور). (۱۳۶۹). *برگزیده شاهنامه فردوسی*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- رزمجو، حسین. (۱۳۸۱). *قلمرو ادبیات حماسی ایران*. ۲ جلد. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رستگارفسای، منصور. (۱۳۶۹). *تصویر آفرینی در شاهنامه فردوسی بررسی و نقد تشبیهات و استعارات در شاهنامه فردوسی*. شیراز: انتشارات مرکز نشر دانشگاه شیراز.
- رستنده، مجید. (۱۳۷۸). *قرآن و حدیث در شاهنامه فردوسی*. همدان: انتشارات مفتون همدانی.
- رضاییگی، مریم. (۱۳۸۴). *جادو، حیوانات و پیش‌بینی‌ها در شاهنامه فردوسی*. کرمانشاه: انتشارات طاق بستان کرمانشاه.
- رضاقلی، علی. (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی خودکامگی (تحلیل جامعه‌شناختی ضحاک ماردوش)*. تهران: انتشارات نی.
- ستوده، غلامرضا. (۱۳۸۳). *مرجع‌شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی*. تهران: سازمان تدوین و کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- شامبیاتی، داریوش. (۱۳۷۵). *فرهنگ لغات و ترکیبات شاهنامه*. تهران: نشر آران.
- شفیعی، محمود. (۱۳۷۷). *شاهنامه و دستور زبان فارسی بر پایه شاهنامه فردوسی و سنجش با سخن گویندگان و نویسندگان پیشین*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۵). *انواع ادبی*. تهران: انتشارات فردوسی.
- شهیدی‌مازندرانی، حسین. (۱۳۷۷). *فرهنگ شاهنامه (نام کسان و جای‌ها)*. نشر بلخ وابسته به بنیاد نیشابور.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۳). *حماسه سرایی در ایران از قدیم‌ترین عهد تاریخی تا قرن چهاردهم هجری*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- طاووسی، محمود و عبدالرسول صادق‌پور و یاسین راشدی. (۱۳۸۷). *ترکیب در شاهنامه فردوسی*. شیراز: انتشارات نوید شیراز.

عبادیان، محمود. (۱۳۷۱). *فردوسی سنت و نوآوری در حماسه‌سرایی* (مباحثی از ادبیات تطبیقی). تهران: انتشارات مروارید.

_____ (۱۳۷۹). *انواع ادبی* (شمه‌ای از سیر گونه‌های ادب در تاریخ ادبیات فارسی). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.

عطایی فرد، امید. (۱۳۸۴). *ایران بزرگ* (جغرافیای اسطوره‌ای و تاریخی مرزها و مردمان ایرانی). تهران: انتشارات اطلاعات.

عظیمی، سید عبدالعلی. (۱۳۷۹). *شخصیت‌ها در شاهنامه*. مؤسسه فرهنگی انتشاراتی مطبوعاتی فام آوند.

غفوری، فاطمه. (۱۳۸۸). *شاهنامه از دیدگاه داستان‌شناسی*. ۳ جلد. قم. مؤسسه انتشارات استاد مطهری.

فرامرزی قراملکی، احد. (۱۳۸۵). *روش‌شناسی مطالعات دینی*. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
 قریب، مهدی. (۱۳۸۶). *شاهنامه فردوسی حکیم ابوالقاسم فردوسی* (ویرایش متن بر اساس ده نسخه از قدیمی‌ترین دست‌نوشته‌های شناخته شده شاهنامه در جهان و مقابله با متن شاهنامه‌های ویراست اول و دوم مسکو و نسخه شاهنامه جلال خالقی مطلق). ۲ جلد. تهران: انتشارات دوستان.
 کریمان، حسین (به کوشش علی میرانصاری). (۱۳۷۵). *پژوهشی در شاهنامه* (در باب ری. پهنه تهران.
 البرز. مازندران طبرستان. مازندران مغرب و مازندران مشرق در شاهنامه). تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.

کزازی، میرجلال الدین. (۱۳۷۲). *رؤیا حماسه اسطوره*. تهران: نشر مرکز.
 _____ (۱۳۸۶). *تند بادی از کنج* (گزارشی از داستان رستم و سهراب شاهنامه). انتشارات آیدین.

_____ (۱۳۸۷). *خشم در چشم* (گزارشی از داستان رستم و اسفندیار شاهنامه). انتشارات آیدین.

_____ (۱۳۷۹). *نامه باستان* (ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی). تهران: انتشارات سمت.

کیا، خجسته. (۱۳۶۹). *شاهنامه فردوسی و تراژدی آتنی*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
 ماهیار، عباس. (۱۳۷۵). *مرجع‌شناسی و روش تحقیق*. تهران: نشر قطره.

- محمودی بختیاری، علیقلی. (۱۳۷۷). *شاهنامه آبخور عرفان*. تهران: نشر علم.
- مختاری. محمد. (۱۳۶۹). *اسطوره زال* (تبلور تضاد و وحدت در حماسه ملی). تهران: انتشارات آگه.
- معزی. امیرناصر. (۱۳۸۳). *ادبیات و روان‌پزشکی* (داستان‌هایی از فردوسی). تهران: انتشارات دکتر امیر ناصر معزی.
- معصومی دهقی. احمدرضا. (۱۳۸۲). *زناشویی در شاهنامه*. اصفهان: انتشارات نقش خورشید.
- مهاجرانی. سید عطاءالله. (۱۳۶۹). *گزند باد*. تهران: انتشارات اطلاعات.
- یوسفی. فریده. (۱۳۸۶). *جایگاه سیاسی، اجتماعی زنان شاهنامه*. ساری: انتشارات شلفین.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی